



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۰۷

جليل غنی

دور نمای مکرر صلح در افغانستان

افغانستان در آستانه هجدهمین سالگرد جنگ فرسایشی بی سر انجامی قرار دارد که بر اساس آمارهای سیگار دفتر احتساب کمک های ایالت متحده برای بازسازی افغانستان، تا کنون یک تریلیون دالر برای بازسازی و تقویه نهاد های دولتی و ملت سازی در افغانستان به مصرف رسیده است. ولی نه تنها این که برای صلح تأمین نشده و یا حد اقل جنگ تخفیف نیافته، بلکه هر روز مردم افغانستان گواه خونریزی های بیشتر، کشتار نظامیان و غیر نظامیان بیشتر به شمول اطفال و متعلمین و محصلین پوهنتونها و زنان و مردم بیگناه دیگر، نا توانی حکومت در تأمین امنیت مردم، افزایش فقر و بیکاری، فرار نیرو های امنیتی از پوسته های شان، همکاری عده ای از آنها با مخالفین دولت، مهاجرت ها به خارج از کشور و بیجا شدن ملیونها باشند دیگر در داخل هستند. بیش از چهار ملیون نفر بر اساس ارقام جدید دفتر نمایندگی ملل متحد در افغانستان به کمک های عاجل بشری نیاز دارند و مصیبت های دیگری که در کشور بیداد میکند. ارقام رسمی نشان می دهد که در چهار سال اخیر حکومت وحدت ملی، که بهتر است آنرا حکومت نفاق ملی خواند، چهل هزار انسان بی گناهی که از چهل سال به اینطرف قربانی جنگ های متنوع از چپ افراطی و معتدل تا راست افراطی و معتدل و تکنوکرات های وارداتی و قوم پرستان و مدافعین گروه های هستند که مقاومت شجاعانه و تاریخی مردم آزادی دوست و وطن پرست افغانستان را گرو گان گرفته و آنرا به نام خود رقم میزنند و مدعی شکست قوای متجاوز شوروی سابق هستند. وقتی گفته می شود که این جنگ یک تریلیون دالر یعنی یک هزار ملیون دالر خرج برداشته است، گفتن این رقم شاید آسان باشد ولی وقتی به کنه این رقم می اندیشیم به این فکر می افتیم که این مبلغ هنگفت در کجای این مملکت به مصرف رسیده و نتیجه ملموس آن چیست؟ نتیجه این همه کمک های بین المللی اوضاع کنونی اقتصادی، نظامی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی و فرهنگی و بی سر و سامانی است که نه تنها مردم افغانستان پس از این همه تلفات و مشقت لقمه نانی ندارند بلکه مثل سالهای تهاجم نظامی و اشغال افغانستان توسط قوای شوروی سابق، راه مهاجرت به کشورهای همسایه و فراتر از آنها با تمام مشکلات و مشقت ها و قبول خطر جان دادن درین راه، در پیش گرفته اند و آنانی که توان بیرون شدن از وطن را نداشته اند هر روز یا عزیزانی را به خاک می سپارند و یا در غم دیگران می سوزند و وقتی صبح خود و یا فرزندان شان از منزل به روی مجبوریت خارج می شوند، با یکدیگر چنان وداع میکنند که گویی آخرین باری خواهد بود که یکدیگر را می بینند چون هر آن امکان انفجار و حمله انتحاری در هر نقطه حتی در قلب کابل می رود. حوادث سه روز گذشته در دشت برچی در کابل که در اثر آن بیست و شش نفر جان باختند و نود و شش نفر دیگر همه ورزشکاران جوان و قهرمانان ورزش و همچنان دو خبر نگاری که از انفجار اولی گزارش می دادند در انفجار دومی شامل این قربانیان هستند.

از جانب دیگر دولت نا کام و بی کفایت کابل، که تعدادی آنرا مسؤول این همه نا امنی قلمداد میکنند، و تا اندازه حق هم دارند چون وقتی قوای امنیتی نمی تواند امنیت هموطنان پایتخت را و حتی از نزدیک ارگ ریاست جمهوری بگیرد و در روز عید نه (9) راکت بر ارگ ریاست جمهوری در هنگام ادای نماز عید شلیک می شود، نشانه کامل از بی کفایتی مدیریت قوای امنیتی و همدستی برخی از این عناصر با مخالفین است. قوای امنیتی همه روزه در پیکار صادقانه با مخالفین و طالبان و سایر و گروه ها در اطراف و اکناف مملکت قربانی می دهند و روزی نیست که خبر های از قربانی این فرزندان صدیق و وفادار به کشور و حراست از تمامیت ارضی و استقلال نداشته باشیم. ولی عناصری چه در مدیریت قوای امنیتی و چه در صفوف، با مخالفین و طالبان همکاری دارند در غیر آن امکان ندارد که موتر ها و لاری های مملو از مواد منفجره تا قلب کابل و یا شهر های دیگر رسیده بتواند.

حکومت وحدت ملی باری در ایام عید فطر آتش بسی را با طالبان برای سه روز عید اعلام نمود و طالبان هم آن را در مجموع اطاعت کردند و بر اساس گزارشها هزاران طالب در نقاط مختلف به روستا ها و شهر های شان بر گشتند و این سه روز را به خوشی سپری کردند. اما گفته های هم هست که این آتش بس موجب آن

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

گردید که تعدادی از این طالبان و سایر گروه های مخالف دولت به نام اینکه دیگر از جنگ خسته شده اند، به حیث ارتباطی های رهبری شان در نقاط مختلف جا بجا شده و در همدستی با اقارب و دوستان و سایر عناصر در تشدید جنگ ها بعد از ایام عید فطر نقشی داشته اند. دلیل دیگری که می تواند گفته شود اینست که حکومت در ایام عید اضحی نیز چنین پیشنهادی نمود و حتی یک آتش بس سه ماهه را پیشکش کرد ولی طالبان قبول نکردند چون به گمان اغلب ضرورتی به جا به جایی افراد بیشتر در نقاط بیشتری نداشته اند با وصف آنکه آقای غنی برای شان آیس کریم هم میداد.

طالبان از همان آغاز سرنگونی نظام شان به نام امارت اسلامی افغانستان که پس از حملات یازدهم سپتمبر سال 2001 توسط دهشت افگنان منسوب به القاعده از بین برده شد و تهاجم قوای نظامی ایالات متحده با تائید و تصویب شورای امنیت ملل متحد، رژیم افغانستان را به رسمیت نشناخته و آنرا یک حکومت دست نشانده و به اصطلاح زبان پشتو "گوداگی" می شناسد و حاضر به مذاکرات مستقیم با نمایندگان حکومت نشد و همیشه این موقف خود را تکرار نموده که با ایالات متحده آمریکا در رابطه با صلح افغانستان مذاکره میکند و حکومت کابل را یک حکومت فاقد صلاحیت تصمیم گیری میداند. تا همین دو ماه قبل هم ایالات متحده حاضر به مذاکرات مستقیم و علنی با طالبان نبود چون آنها را نزدیک به القاعده و نگهبان اسامه بن لادن در افغانستان تشخیص داده بود. ولی وقتی ستراتیژی جدید دونالد ترمپ رئیس جمهور آمریکا در رابطه با آسیای جنوبی و مرکزی با اهدافی که داشت رسیده نتوانست و با وصف فشار های روز افزون بر پاکستان، یکی از حامیان و پناهندگان طالبان که طالبان را به میز مذاکره بکشاند، این کشور باز هم مثل همیشه با نیرنگ های همیشگی خواست طالبان با حکومت کابل مذاکره کنند و آنرا وادار به مذاکره نکرد و در عوض بر ایالات متحده قبولاند که با طالبان مستقیماً مذاکره نماید. آمریکا هم نخستین دور مذاکره را ماه قبل در دوحه پایتخت قطر با طالبان داشت و الیس ویلز معاون وزارت امور خارجه ایالات متحده در امور آسیای جنوبی و مرکزی ملاقات نمود و آمریکا هم اعلام کرد که این مذاکرات برای زمینه سازی مذاکرات مستقیم طالبان با حکومت کابل است.

روز جمعه هفتم سپتمبر جمز ماتیس وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا همراه با جنرال ژوزف دنفورد رئیس کمیته لوی درستیز های قوای مسلح ایالات متحده وارد کابل شد و با اشرف غنی رئیس جمهور و عبدالله رئیس اجرائیه حکومت کابل مذاکره نمود. هارون چخانگیری سخنگوی رئیس جمهور غنی در توئیتر خود نوشت: «طرف ها در باره روند صلح، تأثیر مثبت ستراتیژی جنوب آسیا، اصلاحات در نیروهای دفاعی افغانستان، انتخابات شورای ملی و ریاست جمهوری، مبارزه با تروریسم و گفت و گو با پاکستان، گفت و گو کردند.»

جمز ماتیس قبل از آمدن با کابل روز چهارشنبه عازم هند شد و درانجا نیز علاوه بر موضوعات نظامی و اقتصادی و خریداری های ساز برگ های نظامی ایالات متحده آمریکا توسط هند، در رابطه با اوضاع افغانستان و تأمین صلح درین کشور نیز مذاکره نمود. روز چهارشنبه در راه عزیمت به هند او به خبرنگاران گفت سفارت ایالات متحده در کابل کارمندان بیشتری برای کار روی آشتی و مصالحه با طالبان گماشته است. او گفت: «ما علایم و اشارات بیشتری داریم که مصالحه دیگر یک سراب نیست و اکنون یک چوکات و چار چوبی دارد و خطوط مکالمه و مفاهمه باز است»

جمز ماتیس باز هم تأکید دارد که مذاکرات صلح با طالبان به رهبر افغانها و توسط افغانها باید باشد و ایالات متحده برای تسهیلات در بین زمینه همکاری میکند.

انفجار ها و حملات انتحاری اخیر به شمول دو حمله خونبار در دو ماه گذشته در دشت برچی در غرب کابل را گروه داعش ادعا کرده است و طوری که از گزارش های خبری بر می آید این گروه همیشه عملیات عمده انتحاری و انفجار های که بیشترین تلفات را دارد ادعا میکند و نه تنها در کابل بلکه در سایر ولایات مثل ننگرهار که بار ها حکومت کابل و قوای ایالات متحده و ناتو ادعا کرده اند که پایگاه و قوماندانهای عنده داعش را درین نطقه از بین بردند، و همچنان اخیراً در ولایات شمالی و غربی افغانستان چنین حملات و ادعا های شنیده می شود.

اما سوال اساسی که مطرح می شود و متخصصین نظامی و لوژستیک بهتر خواهند توانست آنرا توضیح دهند اینست که ساز و برگ و مواد انفجاری و سلاحی که این گروه چه در کابل و چه در سایر ولایات از آن استفاده می کند چگونه و از کجا به آنها می رسد. در رابطه با حمایت های مالی و نظامی و لوژستیک طالبان شواهد و برکه های در دست است که پاکستان با این گروه همکاری میکند و حلقاتی در دستگاه استخبارات نظامی پاکستان و یا گروه های تند رو هستند که در بین زمینه با طالبان همکاری دارند و همه میدانند که بدون همکاری کشور های همسایه و یا عناصری در داخل کشور امکان دستیابی گروه های مسلح مخالف دولت به این تسهیلات میسر نیست. این ها حتی مجروحین حملات شانرا بکجا می برند تا نداوی شوند و مرده های شانرا در کجا دفن میکنند محض یک سوال بسیار عادی و عام فهم. تجربه چهل ساله جنگ در افغانستان از همان آغاز تهاجم قوای شوروی سابق بر افغانستان نشان داد که بدون کمک دیگران داشتن تسهیلات لوژستیک

چه در داخل و چه در خارج کشور، دوام جنگ در افغانستان محاط به خشکه و هم سرحد با شش کشور، ناممکن است و حالا هم حتی طفل افغانستان این منطق را دارد که اینها چگونه می‌توانند این همه تسهیلات و لوازم را به دست آورند. تلاش و کوشش برای مصالحه با طالبان شاید دیر یا زود نتیجه بدهد و حکومت افغانستان را قادر سازد به کمک متحدین با این گروه صلح نماید، همانطوری که با حزب اسلامی حکمتیار صلح نمود و چندان نتیجه مطلوبی هم ندارد و جنگ بجای کاهش افزایش یافته است. اما همانطوری که بار دیگر نیز گفته بودم با این همه گروه مخالف چگونه می‌توان به تنهایی با هر یک جداگانه سالها جنگ کرد و امتیاز داد و به صلح رسید.

سخن از امتیاز شد، بر مبنای بعضی از گزارشها که نه حکومت کابل آنرا تأیید میکند و نه هم منابع دیگر، یکی از پیش شرط های طالبان برای مذاکره و صلح، در پهلوی تشکیل حکومت انتقالی، تعدیل قانون اساسی، تشکیل یک حکومت اسلامی مطابق به تعبیر آنها، اختصاص سیزده ولایت افغانستان هم به آنهاست که کاملاً مغایر تمامیت ارضی، منافی قانون اساسی و تحکیم حکومت مرکزی است که افغانستان همواره بر آن تأکید داشته است، تمامیت ارضی افغانستان را زیر سوال می‌برد و سابقه ای را بجا خواهد گذاشت که هر گروه مبتنی بر چنین سابقه ای ادعای خود مختاری بر اساس قوم، نژاد، زبان، نفوذ گروهی و تنظیمی و تعلقات مذهبی و فرهنگی به نماید و برای بر آورده ساختن چنین اهدافی مثل طالب سلاح بردارد، حمایت کشوری را بدست آورد و سالها به جنگد و خون بریزد تا چنین امتیازی بدست آورد. چنانچه چنین امتیازاتی نه بطور رسمی بلکه غیر رسمی به حزب اسلامی حکمتیار هم داده شده چه از تقسیم ولایات جهت تعیین والی ها به این حزب، تهیه مسکن های متعدد حد اقل سه محل بزرگ در کابل، تعیین ملیون ها افغانی خرج دسترخوان ماهوار برای آقای حکمتیار و سایر امتیازات. چنین اقدامی باعث تشویق گروه های دیگری هم خواهد شد که برای بدست آوردن چنین امتیازاتی دست بکار شوند.

راه بهتر برای تامین صلح و ثبات در افغانستان که در یکی از مقالات قبلی هم به آن اشاره شده بود تدویر یک کنفرانس منطقوی تحت نظر ملل متحد و با تضمین عملی شدن تصاویب این کنفرانس برای حمایت از صلح و ثبات دایمی و مقابله با دهشت افگنی نه تنها در افغانستان بلکه در سطح منطقه است.

پایان